



هفت روز آخر «هفت روز آخر»، مجموعه‌ای است از یادداشت‌ها و خاطرات محمدرضا بایرامی از ۷ روز پایانی جنگ تحمیلی در سال۱۳۶۷ که در آن خستگی و نگرانی از پایان جنگ، پذیرفتن قطعه‌نامه و ایستادگی مردمان آماده نبرده به خوبی روایت شده است. وقایع این کتاب در محدوده مرز عراق اتفاق افتاده و داستان یک گردان است.

روایت تهران

خیابان کامرانیه، ۱۲۰ سال قبل

اینجا خیابان کامرانیه در دوران قاجار است. در این محدوده باغ کامرانیه قرار داشت. زمین‌های این باغ ابتدا به میرزا سعیدخان انصاری، وزیرخارج ناصرالدین‌شاه تعلق داشت و سپس کامران، پسر بزرگ ناصرالدین‌شاه صاحب آن شد. کامران میرزا، فرزند ناصرالدین‌شاه و منیرالسلطنه بود که در دوره‌ای مسئولیت وزارت لشکر را بر عهده داشت. او علاوه بر باغ وسیعش در محله امیریه، باغ ییلاقی بزرگی در محدوده کنونی کامرانیه از میرزاسعیدخان خرید. همانطور که محله امیریه تهران به واسطه لقب کامران میرزا که پس از امیرکبیر لقب امیر به او داده شد، امیریه نام گرفت، باغ وسیعش در شمیران هم به نام او یعنی کامرانیه معروف شد. کامران میرزا علاقه زیادی به زیباسازی باغ‌هایش داشت و معروف است که حتی از باغبان‌های فرنگی برای تزئین باغ‌هایش استفاده می‌کرد. پس از تملک این باغ توسط کامران میرزا بود که به تدریج سکونتگاه‌ها و خانه‌هایی در اطراف باغ ساخته شد و آبادی جدید و کوچکی به نام کامرانیه در همسایگی حصار بوعلی شکل گرفت. در واقع محدوده آبادی کوچک کامرانیه به آبادی‌های حصار بوعلی، رستم‌آباد بالا و اراضی چیدر محدود می‌شد. در جنوب کامرانیه هم تپه‌ای معروف به تپه شغالی وجود داشت که خالی از سکنه بود. باغ وسیع کامرانیه تا زمان مرگ کامران میرزا برای خود بر بیایی داشت و کامران میرزا هم برای برگزاری برخی محافل و دورهمی رجال سیاسی از این باغ زیبا استفاده می‌کرد. پس از فوت کامران میرزا در سال ۱۳۰۷ یا کامرانیه در اختیار ورثه او قرار گرفت و از این دوره بود که مقدمات لازم برای شکل‌گیری محله‌ای به نام کامرانیه در دوران توسعه و ساخت‌وسازها در آبادی‌های شمال شهر فراهم شد.



تازیم صادقی - سیده کلثوم موسوی | خبرنگار | عزمش را جزم کرده بود که حافظ کل

قرآن شود. هر روز صدای صوت قرآنت قرآن با لحن دلنشینش فضای خانه را نوازانی می‌کرد و مادر دلش غنچ می‌رفت برای پسر مؤمنی که تربیت کرده است. ۲۶سال داشت و تمام هم و غمش این بود که وقتش را به بطالت نگذراند. برای هر کاری برنامه‌ریزی داشت و سرکشی اقوام را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کرد و می‌گفت که صله‌رحم برکت زندگی و عمر می‌شود. مهندس کامپیوتر بود و مادر برایش آرزوها داشت. اما نشد که دامادی پسر را جشن بگیرد چون ۱۱اسفند ۴۰۴محسن شیخ‌محمدی در خیابان پاسداران با اصابت موشک آمریکایی به محل کارش بال شهادت گشود و آسمانی شد. سراغ مادر شهید، احترام گرامی گلچین، می‌رویم تا از سبک زندگی فرزند شهیدش برایمان بگویید.

اهل دلیل و منطق بود

بانسو احترام گرامی گلچین، مادر شهید محسن شیخ‌محمدی، کارمندپهزیستی است.بااینکه‌سختی‌ها و مشکلات زیادی را به واسطه شغل و نوع کارش دیده است اماوقتی‌از پسرش می‌گوید‌از شدت غصه لب‌هایش به لرزه می‌افتد: «محسن از بچگی مقید به احترام به پدر و مادر و بزرگ‌ترها بود. از همان بچگی اگر کسی به او حرفی می‌زد یا حدیث و روایتی را بیان می‌کردند، طوری که بی‌ادی نشود، از آنهامنبع حدیث و روایت را

آخرین خداحافظی

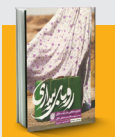
وقتی یک مادر می‌خواهد لحظه بی‌بازگشت فرزند دلبنش را روضه کند از قد و بالای پسر می‌گوید: «از در که وارد خانه می‌شد برایش اسپند دود می‌کردم و آقل می‌خواندم. وقتی خبر شهادتش را شنیدم زمین زیر پایم خالی شد و حس کردم بین زمین و آسمان قرار گرفتم.ام نمی‌دانستم زنده‌ام یا مرده فقط گفتم مرا ببرید محسنم را ببینم. خواهرزاده‌ام گفت محل کارش را موشک زده‌اند و محسن شهید شده. وقتی او را دیدم پیکرش سالم بود.خواستم برای آخرین بار چشمان زیبایش را ببوسم، چون بارها چشم‌هایش را ببوسیده بودم. اما دیدم، آن‌چه نباید می‌دیدم. پسرم یکی از چشم‌های زیبایش را از دست داده بود. اما برای من هنوز هم زیبا بود. همان چشمش را ببوسیدم و گفتم مادر نذر چشمانت شود تو هنوز هم برای من زیبایی.»

غذای مادر، بهشتی است

مادر است و برای تربیت دردانه پسرش از جان و دل مایه گذاشته تا به ثمررسیدنش را ببیند. اماالان با غم از دست‌دادن جگرگوشه‌اش‌آمال‌ها و آرزویش بر باد رفته است. مادر شهید تعریف می‌کند: «هل خودنمای نبود، خوش‌رو بود و همیشه لیخند بر لب داشت. به صله‌رحم اهمیت می‌داد، سرزدن به فامیل و اقوام درجه‌یک در برنامه‌های هفتگی‌اش بود. سر سال مالی که می‌رسید خمسش را جدا می‌کرد تا برکت از مالش نرود؛ چون اعتقاد داشت پرداخت خمس

رؤیای بیداری

کتاب «رؤیای بیداری» را نسرین پرک نوشته است. او در این کتاب روایتگر خاطرات شفاهی زینب عارفی، همسر شهید مدافع حرم مصطفی عارفی است. این کتاب توانسته تا کنیه بر روایت‌هایی ناب و واقعی، چهره‌ای نزدیک از یک زندگی الهام‌بخش ارائه دهد.

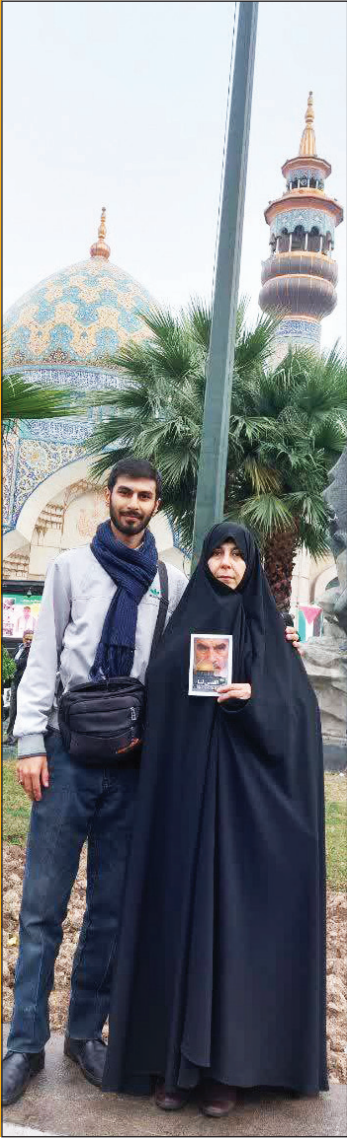


بهشت؛ از سفره‌مادر تا آسمان

شهید محسن شیخ‌محمدی حواشش به مردم بود

آرزوهای مادر

نگاهش را به قاب عکس پسرش می‌دوزد؛ جای خالی محسن، دل‌تنگی مادر را بیشتر کرده است. با همان بغض و حسرت از فرزندش می‌گوید: «ساده‌پوش بود اما همیشه آراسته و خوش‌لباس. از همان کودکی با هم‌سن‌وسالانش با مهربانی رفتار می‌کرد. کمک به افراد ناتوان را دوست داشت. اگر متوجه می‌شد کسی نیاز به کمک یا مشکلی دارد، از هر راهی که می‌توانست تلاش می‌کرد تا گری‌ها از کارش باز می‌گردد. برای تازه‌عروس‌هایی که توان خرید چیزی نداشتند، با کمک خیرین و سسایل مورد نیاز منزل را فراهم می‌کرد.» مادر شهید یاد خاطره‌ای از پسرش می‌افتد: خاطره‌ای که بغضش را می‌شکند و اشک‌هایش جاری می‌شود: «یک روز به‌هم‌کرای اقامه‌نماز جماعت به مسجد رفتم. من در قسمت خاوران نشسته بودم که ناگهان صدای قاری قرآن بلند شد. دلم لرزید؛ صدا براریم آشنا بود. محسن، جگر گوشه‌ام، بود که با صوت، قرآن می‌خواند. همان لحظه صدایش را ضبط کردم و همیشه به آن گوش می‌دادم. محسن هیچ‌وقت از فعالیت‌هایش ح‌رر نمی‌زد. اهل خودنمای نبود. آن روز بعد از نماز که او را دیدم، به شوخی گفتم ای کلک! در مسجد قرآن می‌خوانی و به من نگفتی. حالا آرزو دارم فقط برای یک لحظه آن روز دوباره تکرار شود؛ تا محسنم را در آغوش بگیرم و آتش دلم آرام شود.»



یکشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵ | شماره ۹۷۳۴

۱۱

صفحه‌ارا امیدروشنگر

خاطره

طاهره ساکی، پژوهشگر و نویسنده

مقتل شهدا؛

ردخون بر پوتین‌های پاره

روایتی عینی از قدم‌زدن میان خرابه‌های به‌جامانده از هجوم سنگین جنگنده‌ها به خیابان کشوردوست

راهی خیابان کشوردوست می‌شوم. بعد از شهادت آقا، هربار به این خیابان رسیدم، مقصدم مشخص بوده: پاهایم کشان کشان مرا به رواق برده‌اند.

یک جانشسته‌ام، از گوشی مداحی مهدی رسولی را که می‌خواند: «یکی بهم بگه دروغه... یکی بگه باز دوباره، آقا سخنرانی داره.» می‌شنوم و مثل یتیم‌های بی‌پناه، زده‌ام زیر گریه. اما امروز قدم‌هایم مقصد دیگری دارند.از کوچه بالایی رواق می‌گذرم. وارد فرعی منتهی به گیت می‌شوم. نگهبان‌ها روی صندلی نشسته‌اند.

گیت اول را رد می‌کنم. آهی سرد از سینهام بیرون می‌ریزد. احساس می‌کنم تک‌تک درخت‌ها و دیوارهای آجری خانه‌های اطراف هم با من آه می‌کشند. هر چیزی در این حوالی خاطرات دیدارهای بیست را در ذهنم زنده می‌کند. لیخندها، نگاه‌ها، حس و حال آن روزها و شب‌ها، همه از جلوی چشم‌هایم دور می‌شوند. یا تند می‌کنم که زودتر به قرار برم. نزدیک ورودی اصلی، قدم‌هایم سنگین می‌شوند. کمی جلوتر، در دست رویه‌روی شیشه‌های ترک‌خورده ایست و بازرسی، میخکوب می‌شوم. انگار پاهایم خیال حرکت کردن ندارند.

آقاب عکس از شهادی حفاظت، در کنار عکسی از آقای شهید که گوشه‌اش رویان مشکی دارد، به من نگاه می‌کنند. بی‌اختیار به سمتشان کشیده می‌شوم؛ قاب‌ها روی یک میز چوبی چیده شده‌اند؛ میزی که پرچم ایران را در آغوش گرفته و حالا به پادمان کوچکی از شهادی ایست و بازرسی تبدیل شده است. نگاهم به زمین می‌افتد. یک پوتین که از نزدیک می‌شود ردخون را بر پارگی‌هایش دید، کنار میز افتاده. از خدوم می‌پرسم «یعنی برای کنامشان بوده؟» یا ۲-۳ تا گل‌دان و چند شاخه داوودی سفید پرپر، پادمان را تزئین کرده‌اند. توی یک قاب با فوتت قرمز نوشته شده: «مقتل شهدا». لکه‌های تیره رنگی روی زمین جلب توجه می‌کند. بی‌اختیار پایم را عقب می‌کشم. از ذهنم می‌گذرد که «کنک بقایای خون شهداست؟!» در حال کشف لکه‌ها هستم که بغض می‌دود توی گلویم، اشک بی‌اجازه راه می‌گیرد به چشم‌هایم و چیزی نمانده که احساسات اختیام را در دست بگیرد. دارم برای نخستن و صحنه‌زدن دل‌دل می‌کنم.



موضوع آگهی: ابلاغ اتهام آقای ابازر روحانی بیدگلی متولد ۱۳۵۹ فرزند حسین به کد ملی ۱۳۶۱۹۴۳۱۰۴ شماره برگ ابلاغ اتهام: ۱۴۰۵/۱۱۹/۳۸۴۳۴۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۹

مرجع رسیدگی کننده: هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان شهرداری تهران

نظر به اینکه پرونده شما به اتهام غیبت غیرموجه به صورت متوالی که با بند ۲۹ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری منطبق است در هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان شهرداری تهران تحت رسیدگی می باشد. لذا مقتضی است حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی، دفاعیه کتبی خود را به انضمام مدارک به هیئت مذکور به نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان کوه نور، کوچه چهارم، پلاک ۱۲ طبقه اول تسلیم نمائید. بدیهی است چنانچه در مهلت یاد شده دفاعیه کتبی خود را تسلیم ننمائید، هیئت طبق ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری عمل خواهد کرد.

روابط عمومیه شهرداری منطقه ۲۲



آگهی مناقصه عمومیه بصورت الکترونیک (شهرداری منطقه ۱۸) (شماره ۲۲-۱۴۰۵)

متقاضیان می‌توانند اسناد مناقصه را از طریق تالار آگهی معاملات شهرداری تهران به نشانی <http://business.tehran.ir> دریافت نمایند.

شرکت‌کنندگان از زمان انتشار آگهی تا پایان وقت روز سه شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۲۷(ساعت ۲۴) می‌توانند نسبت به دریافت و بارگذاری، امضاء و مهر و موم کلیه اسناد مناقصه در پاکت الف و برگ پیشنهاد قیمت در پاکت ب به وسیله توکن اقدام نمایند.

(امضاء و مهر شرکت کنندگان در ذیل اسناد الکترونیکی به منزله قبولی تمام شرایط مندرج در اسناد می‌باشد)

ردیف	موضوع مناقصه	برآور هزینه اجرای کار (ریال)	سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	مدت پیمان	ملاحظات
۱	احداث پارکینگ طبقاتی(ژئوسطحی) ساختمان مرکزی شهرداری منطقه ۱۸ (اجرای عملیات گودبرداری، پایدارسازی، دواره گود و اجرای فونداسیون)	۷۱۳/۳۳۳/۶۵۳	۳۵/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۲ ماه	نوبت دوم
۲	اجرای عملیات مرمت، بهسازی و بازسازی ابنیه اداری، فرهنگی، اسکان کارگری و سرویس بهداشتی بوستان‌ها و ساختمان‌های متفرقه شهرداری منطقه ۱۸	۱۹۴/۸۴۳/۷۷۶/۰۴۲	۹/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۹ ماه	نوبت سوم
۳	اجرای عملیات مرمت و بازسازی آبنماهای سطح منطقه ۱۸ توسعه محله‌ای سال ۱۴۰۵	۸۰/۶۹۹/۴۴۶/۶۰۳	۴/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۹ ماه	نوبت سوم
۴	اجرای عملیات احداث معبر ۱۶ متر یافت آباد شمالی (حد فاصل خیابان زندیه تا خیابان عابدینی)	۱۷۸/۸۱۲/۰۲۴/۳۰۸	۸/۹۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۲ ماه	نوبت اول

الف) محل ارائه خدمات : در سطح محدوده منطقه ۱۸ شهرداری تهران

ب) شرایط مناقضی : **ردیف ۱ :** پیمانکاران مناقضی می‌بایستی دارای **صلاحیت ساختمان** از سازمان برنامه و بودجه کشور به همراه ظرفیت باز تعدادی و ریالی باشند.

ردیف ۲ و ۳ : پیمانکاران مناقضی می‌بایستی دارای **صلاحیت راه و ترابری** از سازمان برنامه و بودجه کشور به همراه ظرفیت باز تعدادی و ریالی باشند. **ردیف ۴ :** پیمانکاران مناقضی می‌بایست دارای **صلاحیت راه و ترابری** از سازمان برنامه و بودجه کشور به همراه ظرفیت باز تعدادی و ریالی باشند. ضمناً متقاضیان شرکت در مناقضات می‌بایستی دارای کارت الکترونیک معتبر و مرتبط با موضوع مناقصه از سامانه تأمین‌کنندگان و ارائه‌دهندگان خدمت شهرداری تهران به همراه ظرفیت باز تعدادی و ریالی در رسته مرتبط در حوزه معاونت تخصصی باشند .

ج) نحوه تأمین اعتبار : اعتبار پروژه مذکور از محل اعتبارات جاری منطقه و به صورت نقدی تأمین گردیده است.

د) محل دریافت اسناد و قبول پیشنهادات : ۱۰- محل دریافت، در بستر سایت تالار آگهی معاملات شهرداری تهران به نشانی <http://business.tehran.ir> می‌باشد. ۲۰- اسناد الکترونیک : در تالار آگهی معاملات شهرداری تهران به نشانی <http://business.tehran.ir> دریافت می‌گردد.

ه) سپرده شرکت در مناقصه : واریز وجه نقد به حساب جاری شماره ۱۰۰۴۵۲۲۰۶۶۵ نزد بانک شهر – شعبه آپیت ...۱، سعبیدی و به نام شهرداری منطقه ۱۸ یا ارائه ضمانت نامه معتبر بانکی به میزان سپرده شرکت در مناقصه

و) مهلت ارائه اسناد : وفق تاریخ و ساعات اعلامی در مقدمه آگهی می‌باشد.

ز) تاریخ و محل بازگشایی پاکات : روز یکشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱ ساعت ۱۰ صبح در دفتر معاونت فنی و عمرانی واقع در انتهای بوستان قائم روبروی بوستان بانوان(ساختمان شماره ۲ منطقه ۱۸)

بدیهی است شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف مقرر در اسناد مناقصه بوده و شهرداری در رد یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

روابط عمومیه شهرداری منطقه ۱۸